

سفر نامه

سفر به قشم، نگین خلیج فارس (قسمت اول)

دلفین های باز یگوش با طعم نان تموشی



آرزو احمدزاده، راهنمای طبیعت گردی

هفته گذشته تا آنجایی گفتم که از غار خربس و دره ستاره افتیده یا همان دره ستارگان بازدید کردیم و حالا بیردازیم به ادامه سفرنامه و دیگر جاذبه های این جزیره زیبا. از دره ستارگان بیرون آمدیم و به سمت جزایر ناز حرکت کردیم، جزایر ناز که به اشتباه گاهی جزیره ناز نامیده میشود در واقع دو جزیره هستند که در زمانی که آب دریا پایین است، به قشم وصل می شوند و در مواقع مد دریا ارتباطشان با قشم قطع می شود. جزایر ناز خالی سکنه هستند اما ماهیگیران اتاقک هایی برای استراحت در آنجا ساخته اند. فاصله زمانی بین جزر و مد دریا شش ساعت است، اما بهترین مدت زمانی که می توانید در جزایر ناز بمانید و از ساحل و زیبایی جزیره و خلیج استفاده کنید چهار ساعت است. متأسفانه زمانی که ماه ساحل رسیدیم آب دریا بالا بود و ما از دور جزایر ناز را نظاره گر بودیم. کم کم داشتیم به غروب نزدیک می شدیم و نوبت به جنگل حرا که یکی از شگفت انگیز ترین مکان های دیدنی قشم است رسیده بود. اگر خاطر تان باشد محل اقامت مادر روستای هفت رنگ بود، و از بخت خوب مان جنگل های حرا نیز نزدیک همین روستاست و مابعد از یک روز پر بازدید بی، به درنگ به محل استراحت می رسیدیم. به اسکله جنگل های حرا رسیدیم و قایق گرفتیم و در دل حرا شروع به گشت زنی کردیم. حرا نام درختی است از جامعه گیاهی مانگرو که ابوعلی سینا، دانشمند بزرگ ایرانی، این درخت را حرا نامیده است. مانگرو در اندازه های ۳ تا ۶ متر بالاخ و برگ های سبز و روشن است که در آبهای شور زندگی می کند و هنگام مد آب دریا تا گلوگاه در آب فرو می رود.



با خاصیت تصفیه ای که در پوست این درخت وجود دارد، بخش شیرین آب دریا را جذب و نمکش را دفع می کند. درخت حرا در حقیقت یک تصفیه خانه با شیرین کن طبیعی است. پوست این درخت در درمان بیماری جذام موثر است و شیره درون آوندهای آن بر بیماری خشکی که بیماری پوستی شایع در منطقه هرمزگان است تأثیری قابل توجه دارد. غروب آفتاب را در جنگل های حرا دیدیم و به سمت روستای هفت رنگویر گشتیم. وارد خانه شدیم و شگفت زده گشتیم از سفره ای که پر بود از غذاهای رنگین جنوبی با دستپخت مادر صاحبخانه که خستگی تمام روز را از تن مان بیرون کرد. صبح به سمت روستای شیب دراز به قصد بازدید از جزیره هنگام و دلفین ها آمدیم. سوار قایق شدیم و به دل خلیج فارس زدیم. در حقیقت هیچکس نمی تواند بهترین زمان رفتن به جزیره هنگام را تعیین کند. اما یک قانون کلی وجود دارد: زمانی که هوا خنک و دریا نیز صاف و آرام باشد. همین! و اینکه هر سه مهیاست و ما نیز امیدواریم به دیدار دلفین ها. سرمان به هر سو می چرخد، که ناگهان تعدادی دلفین باز یگوش پدیدار شدند که گه گاه حرکات نمایشی هم انجام می دهند، از همان حرکاتی که در مستندها یا پارک های آبی و آکواریوم ها دیده می شود. اما دیدن دلفین ها در یک آکواریوم طبیعی و بزرگ به وسعت خلیج فارس لذتی دوچندان دارد. سرخوش از دیدن دلفین ها بودیم و به سمت بازارچه محلی هنگام رفتیم. از قایق پیاده شدیم و وارد بازارچه شدیم. خیلی از افراد محلی که اینجا دیده می شوند، زاننی با پوشش خاص سنتی جنوب هستند که خود یکی از جاذبتهای سفر به این منطقه است. یکی سمبوسه سرخ می کند، دیگری نان تموشی می پزد و یکی دیگر در حال طراحی نقش حنا روی دست یکی از گردشگران است. اینجا عجیب زندگی جریان دارد. قصه قشم ادامه دارد...



استان مرکزی

اهالی استان مرکزی در گذشته شب یلدا را در سه شب متوالی جشن می گرفتند؛ چله بزرگ، چله وسط و چله کوچک. رسم قربانی کردن یا «تلیک» نیز همانند لرستان در استان مرکزی دیده می شود. گوسفند قربانی شب یلدا در تابستان انتخاب می شد و با گوشت آن «تلیک شامو» می پختند. **استان آذربایجان غربی** به رسم یلدا در آذربایجان غربی «چپله گچه سی» گفته می شود. به ۴۰ روز اول زمستان «بویوک چپله» یا «چپله بزرگ»، ۲۰ روز بعد «کیچیک چپله» یا «چله کوچک» و ۳۰ روز آخر را «ایرام آبی» یا «ماه عید» می گویند. در گذشته آغاز جشن شب یلدا در استان آذربایجان غربی همراه با برگزاری جشن خدر نیی و قور تولوش بایرامی (عید نجات) بوده است. در این جشن جوان ترها خانه به خانه از اهالی روستا حیوانات می گرفتند. پسرها حیوانات را با نمک آسپاب می کردند تا «قوت» درست شود. آن طور که می گویند اگر از آن به اندازه هفت ناخن می خوردند شب خوابی می دیدند که برای تعبیرش باید پیش بزرگ روستا می رفتند. دخترها نیز با حیوانات گرفته شده آش نذری می پختند. آن ها مانند بیشتر شهرهای ایران برای نوعروس ها «خوانچه» یا شب چله ای می پرند. در زمان قدیم پسرهایی که نامزد داشتند هدیه شب چله را از هواکش خانه نامزدشان پایین می فرستادند.

استان فارس

خوشامشو که مهمون شمایم کبوتروار در بوم شمایم ترش رویی مکن بر روی مهمون خادوند که فر داشو کجایم اهالی استان فارس مخصوصا مردم شیراز به شاد بودن مشهورند و شب یلدا برایشان بهانه دورهمی و تا صبح بیدار ماندن است. در این منطقه زمستان به «چله کوچک» یعنی از اول دی تا دهم بهمن و «چله بیرزن» از اول اسفند تا آخراسفند تقسیم می شود. گفتن قصه، متلک و گرفتن فال کلوک در کنار فال حافظ هم از رسم های جالب مردم فارس است. مردم این منطقه بر این باورند که اگر فردی سر دمزاج باشد باید در این شب خوراکی های گرم بخورد و اگر گرم مزاج باشد خوراکی های سرد.

استان خراسان

از آنجایی که در گذشته رسم بوده است تا مهمان ها با چراغ به شب نشینی یلدا بروند، به شب یلدا در خراسان «شب چراغانی» یا «شب چراغ» نیز گفته می شد. یکی از شناخته شده ترین رسم های مردم استان خراسان کف زدن است. کف زدن به معنای معمول بلکه به معنای تهیه کردن نوعی خوراکی شیرین و خوش طعم است. مردم خراسان ریشه گیاه چوبک را در آب خیس می کردند و آن را چندبار می جوشانند سپس در فضای باز و هوای سرد به طرف بزرگ سفالی به نام «تغار» منتقل کرده و با چوبی نازک آن قدر مایع راهم می دند تا کف کند. برای خوش طعم شدن آن نیز از پسته، گردو و شیره شکر استفاده می کردند. در سفره شب یلدا ی اهالی میوه هایی مانند انار، زیتون و گلابی دیده می شود که معتقدند خوردن این خوراکی ها آن ها را از نیش حشراتانی مثل عقرب در تابستان محافظت می کند.

یلدا را تهیه کنندو به همراه داشته باشند. در گذشته جوان ترها از روزنه های بالای بام خانه ها که نقش هواکش و نورگیر را داشت، شال هایی که به لباسشان می بستند را پایین می فرستادند تا اهالی خانه هدیه ای به عنوان شب چله ای در آن بگذارند.

استان آذربایجان شرقی

شب یلدا در استان آذربایجان شرقی با خانه تکانی و پخت «خشیل»، که غذایی محلی و گرم است، آغاز می شود. خشیل قوت بدن را برای مقابله با سرمای زمستان تأمین می کند. هم وطنان آذری در این شب با خواندن آوازهای قدیمی و افسانه های «کوراوغلو و قربانی و پری» به شادی و شب نشینی مشغول می شوند. سینی شب یلدا ی آن ها پر از آجیل و میوه هایی مانند هندوانه و انار است. آذری ها به هنگام بریدن هندوانه می گویند: «قداا بلامیزی بو گنبجه کسدوخ» یعنی بلایای خودمان را امروز بریدیم. اگر خانواده ای نوعروس داشته باشد نیز زنان فامیل به کمک یکدیگر «خوانچه» و هدایایی تزئین شده را برایش تدارک می بینند و می فرستند.

استان مازندران

در گذشته زمانی که قد برف به دستگیره در می رسید، از آنجایی که راه هابسته می شد و اهالی نمی توانستند خوراکی های معمول شب یلدا را تهیه کنند، با «برف و شیر» دهانشان را شیرین می کرد، رسمی که هنوز هم پابرجاست. در مازندران نیز مانند شهرهای دیگر اقوام در خانه بزرگ فامیل جمع می شوند، قرآن و دیوان حافظ می خوانند، دعای کنندو برای کودکان از داستان و افسانه های بلندترین شب سال می گویند. شب یلدا در استان مازندران برای نوعروس ها شور و شوق دیگری دارد. خانواده داماد باید برای خانواده عروس خرجی ببرند. «خوانچه» تزئین شده ای که علاوه بر آجیل و شیرینی، ماهی و مرغ هم دارد، البته مازنی های دوست داشتنی رسم دلچسب دیگری هم دارند که سپری کردن شب یلدا در خانه خانواده داغ دیده است تا برای آن ها دلگرمی باشند.

رسموم شب یلدا ی مردم استان مازندران نشانگر احترام و علاقه آن ها به اقوام و بزرگان فامیل است. مهمانی شب یلدا معمولاً در خانه بزرگ فامیل برگزار می شود و شب نشینی با خواندن قرآن، دعا برای یکدیگر و آمزش آموات شروع می شود. پذیرایی نیز با خوراکی های مرسموم ادامه پیدا می کند. در گذشته اهالی مازندران اعتقاد داشتند که اگر شب یلدا باران بیارند نه سرما گر به کرده، اگر برف بیارد پنبه های لحافش را بیرون ریخته و اگر تگرگ بیارد گردنبند او پاره شده است.



می رفتند. لباس ها و رختخواب های شسته شده را روی پشت بام پهن می کردند تا آفتاب پاییز دل سیر به آن ها بتابد. هندوانه و میوه های دیگر را داخل حوض می ریختند و با پختن غذاهایی مانند ماهی یا غذاهای محلی مثل کوفته، گنبدی و خوراکی های مخصوص شب یلدا از مهمان هایشان پذیرایی می کردند. در گذشته مردم اصفهان دو چله را جشن می گرفتند، چله و چله کوچک. چله از ابتدای ماه دی تا نهمین بود و چله کوچک از دهم بهمن تا روز سی ام آن. بنابر قانون نانوشته ای که در گذشته موجودات و اشیاء را بر اساس جنس مذکر و مؤنث تقسیم می کرد؛ چله در اصفهان دو نام داشت، چله زری و عمو چله.

استان لرستان

امشواول قاره، خیر دهنوت بواره (امشب اول یلدا یا اول زمستان است خیر از خانهات بیارد.) نون و پنیر و شیره _ کیخا هونت نمیره (نان و پنیر و شیره کد خدا (صاحب خانه) خانهات نمیرد.) چی به علی کوشکه بیاره (چیزی بده علی کوچک یا بچهات بیاور...)

در استان لرستان با فرارسیدن شب یلدا، جوان ترها به پشت بام می روند و هم زمان با خواندن این آواز شال یا چادری را برای هدیه گرفتن آجیل و میوه به پایین می فرستند. خوردن گندم شیر، روایت کردن افسانه «امیل و ممیل» برای کوچک ترها و قربانی کردن در حد توان نیز از دیگر رسم های شب یلدا ی مردم استان لرستان است. رسم دیگری که در بین اهالی لرستان وجود دارد گرفتن فال چهل سرو و خواندن چهل بیت شعر از آن شب نقل می شد شامل قصه خیر و شر، سنگ صبور، ماه پیشونی و... بود. این جشن باستانی در سال ۱۳۸۸ در فهرست میراث معنوی کشور با هدف حفاظت، ترویج و انتشار فرهنگی نیز با قدمتی بالای هشت هزار سال به ثبت رسید.

استان کرمان

استان کرمان در شب یلدا میزبان مسافرهای داخلی و خارجی بسیاری است. جشن یلدا در اقامتگاه های بوم گردی نزدیک به کویر از دوروز قبل آغاز می شود، از نیمه های شب تا صبح فردا که سفره شب یلدا چیده می شود جشن و پایکوبی، شعر و آواز و شب نشینی کنار آتش ادامه دارد. آخرین روز پاییز نیز با برنامه هایی مانند شترسواری، اجرای موسیقی محلی، تماشای غروب در دل کلوته ها، آتش بازی و نورافشانی خاطره انگیز می شود. داستان شب یلدا در کرمان همین قدر که این روزها رنگ و بوی محبت و همدلی دارد در گذشته نیز چنین بوده است. در افسانه های محلی درباره رسیدن گنج قارون به مردم عادی دو نوع روایت وجود دارد. در روایت اول قارون بر لباس مردی هیزم شکن برای آتش خانواده های که با شکستن آن شادی را برای زندگی افراد به مرغان می آورد، البته باید گفت اکثر میوه های موجود شب یلدا آن دوره، کثیرالذوله بودند که به نوعی از آن جادوی سراتی نام می بردند که باعث برکت در زندگی می شد.

گرفتن فال حافظ نیز در چند سده اخیر به رسم شب یلدا ی تهرانیان اضافه شد که مخصوصا دختران دم بخت خواهان گرفتن این فال بودند و بزرگان با انتخاب و شکستن گردو از روی پوکی یا پرودنش، آینده را پیش بینی می کردند.

استان اصفهان

اهالی استان اصفهان با تمیز کردن خانه هایشان به استقبال زمستان

قرن هاست که مردم تهران، آغاز زمستان را که برابر با شامگاه سی ام آذر و یامداد یکم دی است به نام شب یلدا یا شب چله بزرگ می شناسند. شب یلدا از دید مردم آن ایام، مظهر غلبه تاریکی و تباهی بر روشنایی بود، چراکه فردای شب یلدا، خورشید به عنوان نماد روشنایی دوباره متولد می شد. در ایام بسیار دور، فردای شب یلدا در نزد تهرانیان و ایرانیان بسیار عزیز به حساب می آمد تا آنجا که سعی می کردند کار خطایی از آنها سر نزنند و به همین دلیل آن روز جزو تعطیلات عمومی به حساب می آمد.

برخی مورخان بر این عقیده هستند که جشن یلدا متعلق به مسیحیان است، اما در اصل از ایران باستان گرفته شده است تا آنجا که قدمت آن را بیش از هشت هزار سال می دانند.

علی اکبر دهخدا مراسم شب یلدا را این گونه تعریف می کند: «شب چله بلندترین شب سال است که ایرانیان آن را از دیرباز مبارک می دانستند. در این شب ایرانیان با گرد آمدن دور آتش، رقص و پایکوبی این شب را جشن می گرفتند.

آنگاه سفره ای فراخ و گشاده می گسترانیدند که روی آن آتشدان، عطردان و خوراکی های گوناگون از جمله خوراکی های فصلی و خوردنی های غیر نوشیدنی مانند نان، شیرینی، حلوا و گوشت قربانی بود.»

شب یلدا در نزد تهرانیان قدیم، سمبلی از برکت، تندرستی، فراوانی و شادمانی بود که خوششان، همسایه های خود را دعوت می کردند یا اینکه در منزل بزرگتر خانواده جمع می شدند و بساط سروسازات از آجیل گرفته تا شیرینی، میوه مخصوصا هندوانه، انار و خربزه فراهم کرده و خوشگذرائی و شب زنده داری می پرداختند.

هندوانه را از این جهت بر سر سفره می گذاشتند که به دلیل کروی بودنش، نمادی از خورشید است و همچنین انار نیز سمبلی از زایش به حساب می آید که با شکستن آن شادی را برای زندگی افراد به مرغان می آورد، البته باید گفت اکثر میوه های موجود شب یلدا آن دوره، کثیرالذوله بودند که به نوعی از آن جادوی سراتی نام می بردند که باعث برکت در زندگی می شد. گرفتن فال حافظ نیز در چند سده اخیر به رسم شب یلدا ی تهرانیان اضافه شد که مخصوصا دختران دم بخت خواهان گرفتن این فال بودند و بزرگان با انتخاب و شکستن گردو از روی پوکی یا پرودنش، آینده را پیش بینی می کردند.



یگانه دهدار، راهنمای گردشگری

باز نزدیک شدن به انتهای پاییز مردم ایران خود را برای برگزاری مراسم یلدا، طولانی ترین شب سال، آماده می کنند؛ خرید مواد خوراکی و برنامه ریزی برای دیدار اقوام جادوی شب یلدا برای ایرانیان تمامی ندارد؛ لذت جشن گرفتن و یک دقیقه بیشتر کنار یکدیگر بودن، خوردن انار و شاهنامه خوانی، گرفتن فال حافظ، شب نشینی کنار بزرگترهای فامیل و تعریف کردن داستان ننه سرما برای کوچکترها.

برای ایرانیان باستان که نور و آتش را نماد اهورامزدا، خیر و نیکی، می دانستند و تاریکی را نماد اهریمن، بلندترین شب سال یعنی شب چله یا شب یلدا افسانه ها و آیین خود را داشت. آن ها در بلندترین شب سال سفره یلدا می انداختند که جنبه آئینی داشت. ایرانیان باستان در شب چله از خداوند نور و برکت برای زمستان پیش رو طلب می کردند و تا صبح دور آتش می نشستند و با میوه های تازه و خشک شده از یکدیگر پذیرایی می کردند. با گذشت هفت هزار سال جشن شب یلدا هنوز هم پابرجاست. هرچند این روزها شب یلدا تنها به بهانه ای برای کنار یکدیگر جمع شدن، تازه شدن دیدارها و خاطره ساختن تبدیل شده است اما در دل خود داستان ها و حکمت های بسیاری دارد. در ادامه از آداب و رسوم برگزاری شب یلدا در استان های مختلف ایران برایتان می گویم. با این امید که فراموش نشوند.

آداب و رسوم شب یلدا در تهران قدیم

یلدا ی تهران قدیم با میوه های تازه فصل پاییز، میوه های خشک شده تابستان، آجیل مخصوص، شیرینی و هندوانه به صبح می رسید. تهرانیان قدیم در همه اعیاد خود سنت حسنه جمع شدن افراد خانواده در منزل بزرگتر خانواده را منظور می داشتند و همه فرزندان خانواده در منزل مادر و پدر جمع می شدند.

از سنن یلدا ی تهران، صرف میوه های تابستانی از جمله هندوانه است که به دلیل نزدیکی این مراکز کشاورزی با تهران، میوه هندوانه در خوراکی های شب یلدا ی تهرانیان قرار گرفته است. ولی تهرانی ها شب یلدا را همه ساله جشن می گیرند تا سنت های زیبای قدیم در لابلای زندگی مدرن نیته شهرنشینی شان حفظ شود.